

Shiite Studies

March 2023, Vol. 9, No. 23, 351-382

## The Shiite Jurisprudential–Theological Approach to Soft Perspectival Threats and Ways of Creating Soft Power

Mahdi Mohamadzadeh Banitarafi<sup>1</sup>

(Received on: 2022-05-09; Accepted on: 2023-03-04)

### Abstract

Creating soft power lays the groundwork for proactive engagement with the soft threats posed by adversaries. These threats manifest across three layers: perspectives, attitudes, and actions, each carrying its own significance. It is important to recognize that the importance of each layer varies depending on the context. Despite these nuances, Islamic doctrines underscore the significance of soft threats and offer solutions to address them. In light of the escalating soft warfare waged by adversaries through new media platforms, and considering that Islamic doctrines inform the conceptual framework of Islamic social systems, it becomes imperative to discern the diverse forms of soft threats across these layers and devise Islamic-centric strategies to counter them. This study aims to identify some of the perspectival soft threats posed by enemies of Islam and propose Islamic recommendations for addressing them. Examination of threats pertaining to attitudes and actions is deferred to future research. The data for this study was gathered through a library-based approach, employing a descriptive-analytical methodology.

**Keywords:** soft power, soft threat, cognitive warfare, proactive encounter, paving the path for proactive encounter.

---

1. Department of Teaching Islamic Doctrines, Farhangian University, Tehran, Iran.

Email: m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir

## رویکرد فقهی - کلامی شیعه در مواجهه با تهدیدهای نرم بینشی و راهکارهای ایجاد قدرت نرم

مهدی محمدزاده بنی طرفی<sup>۱</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳]

### چکیده

ایجاد قدرت نرم، درحقیقت بسترسازی برای مواجهه فعال با تهدیدهای نرم دشمنان است. این تهدیدها در سه لایه بینش، گرایش و کنش رخ می‌دهد که هر کدام دارای اهمیت خاصی هستند؛ البته درجه اهمیت لایه‌ها تابع شرایط زمان و مکان است. صرف نظر از درجه اهمیت آنان، تهدید نرم در آموزه‌های دین مبین اسلام، مورد تأکید بوده است و در برابرشان راهکار ارائه می‌دهد. با توجه به شدت یافتن جنگ نرم دشمنان به کمک رسانه‌های نوین و با توجه به اینکه آموزه‌های دین مبین اسلام یکی از منابع معرفتی طراحان نظام اجتماعی اسلام است، ضرورت دارد انواع تهدیدهای نرم در لایه‌های مذکور و راهکارهای مقابله به آنها از دیدگاه اسلام شناخته شود و برای کاربرد در جهان کنونی الگوپردازی گردند. در این پژوهش تلاش شده است برخی از تهدیدهای نرم دشمنان اسلام در لایه بینشی و راهکارهای مواجهه با آنان از دیدگاه اسلام بیان گردد و بررسی آنان در لایه‌های گرایشی و کنشی را به پژوهش‌های آینده می‌سپارد. این پژوهش اطلاعات را به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به طور توصیفی - تحلیلی بررسی می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** قدرت نرم، تهدید نرم، جنگ شناختی، مواجهه فعال، بسترسازی مواجهه فعال.

---

۱. گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران [m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir](mailto:m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir)

## مقدمه

«تهدید نرم» گونه‌ای از تهدید در راستای نوعی جنگ است که به جنگ نرم شهرت دارد. این نوع تهدید، با تأثیرگذاری بر لایه‌های شناختی فرد یا جامعه، ذهن، گرایش و رفتار شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را در برابر تهاجم نرم، نیمه‌سخت و سخت دشمن منفعل می‌کند. در جهان کنونی و با رشد دانش اطلاعات و ابزارهای رسانه‌ای جدید، این نوع تهدید وارد مرحله‌ای جدید شده است؛ به گونه‌ای که افکار عمومی به سادگی توسط جریان استکبار مدیریت می‌شود و هرگونه صدای مخالف نیز خنثی می‌گردد.

انقلاب اسلامی از یک سو در فرایند رشد خود، تهدیدهای فراوان را تجربه نموده است؛ اگرچه از آغازین روزهای تولد خود مورد تهدید نرم دشمن بوده است، اما در سال‌های اخیر این نوع تهدیدها دامنه‌ای گسترده‌تر یافته است. از سوی دیگر انقلاب اسلامی دارای ابعاد قدرت نرم بالقوه و بالفعل بسیاری برخاسته از فرهنگ اسلامی - ایرانی است. ابعاد قدرت نرم اگر به درستی شناخته و به کار گرفته شوند، می‌توانند هم تهدیدهای نرم دشمنان را خنثی کنند و هم هر نوع تهدید را به مرجع همان تهدید برگردانند.

یکی از بسترهای بسیار مهم قدرت نرم انقلاب اسلامی که هم ابعاد بالقوه دارد و هم ابعاد بالفعل، مبدأ معرفتی آن یعنی آموزه‌های دین مبین اسلام است. این مبدأ معرفتی، ضمن تعریف تهدیدهای نرم، راهکارهای مواجهه فعال با آن را نیز به بشریت خود نشان می‌دهد و مسیر تعالی او را هموار می‌کند. در پژوهش حاضر تلاش شده است ضمن بیان مهم‌ترین تهدیدهای نرم در لایه بینشی، راهکارهای مواجهه فعال با آنان در آموزه‌های اسلامی بیان گردند. نوشتار حاضر داده‌ها را به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به طور توصیفی - تحلیلی بررسی می‌کند و پژوهش در لایه‌های گرایشی و کنشی را به آینده می‌سپارد.

## چیستی قدرت نرم

قدرت توانایی شخص برای وادارکردن دیگران برای پذیرش خواسته‌های او را قدرت می‌نامند (نوروزی، ۱۳۸۵: ص ۵۱۸). قدرت نرم به جای اجبار، توانایی جذب و انتخاب است. به عبارت دیگر، قدرت نرم شامل شکل دادن به ترجیح‌های دیگران از طریق جذابیت و جذب است. یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده قدرت نرم این است که اجباری نیست. قدرت نرم دربرگیرنده فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی است. به عبارتی اگر قدرت اجبار را در دو سطح ظاهری و باطنی در نظر بگیریم، قدرت سخت، اجبار ظاهری و قدرت نرم، نوعی اجبار پنهانی است که شخص در آن تصور می‌کند با اختیار خود به کاری اقدام کرده است؛ درحالی‌که او تحت اجبار پنهان و نهفته شده در پس مقدمات فراوان بینشی و گرایشی به این کنش و رفتار اقدام نموده است؛ از این رو قدرت نرم درحقیقت قدرت بر اجبار پنهان در ضمیر ناخودآگاه افراد است.

## تکنیک‌ها دشمن در حوزه بینش

### ۱. شبهه‌سازی

گسترش شک‌گرایی علیه اصل و اساس مبانی دینی از جمله روش‌هایی است که قدرت‌های شیطانی برای حیات سیاسی خود اقدام به ترویج آن در جامعه می‌کنند و نخستین شبهه‌ای هم که در خلقت شد، توسط ابلیس در باب خلقت آدم بود که گفت آدم را از خاک آفریدی؛ ولی مرا از آتش و آتش را هم بر خاک برتری و مزیت است و در شأن من نیست که به آدم سجده کنم (خاتمی، ۱۳۷۰: ص ۱۳۶). همچنین از جمله القائات دشمنان در نفی خدا، شبهه‌ای است که می‌گویند چون خدا با چشم سر دیده نمی‌شود، پس وجود ندارد. قرآن با اشاره به درخواست قوم موسی (ع) می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى

لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ: و یاد کنید آن گاه را که گفتید: ای موسی، ما تا خداوند را آشکارا نبینیم، به تو ایمان نمی آوریم و درحالی که خود می نگرستید، آذرخش شما را فراگرفت» (بقره: ۵۵). این درخواست ممکن است به دلیل جهل آنها بوده باشد؛ چراکه درک افراد نادان فراتر از مشاهدات و محسوسات شان نیست، حتی می خواهند خدا را با چشم خود ببینند یا به دلیل لجاجت و بهانه جویی بوده است که گویی از ویژگی های این قوم بوده است. به هر حال آنها با صراحت به موسی گفتند: تا خدا را با همین چشم نبینیم، هرگز ایمان نخواهیم آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱، ص ۲۵۸).

سران مشرک مکه نیز برای مقابله با رسول خدا (ص) و بازداشتن مردم از خداپرستی، از روش شبهه افکنی بهره می گرفتند؛ چنان که قرآن می فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلِيكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا: و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند و رستاخیز را انکار می کنند، گفتند چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پرورگارمان را با چشم خود نمی بینیم؟ آنها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان و بزرگی کردند» (فرقان: ۲۱).

حاصل اعتراض شان این است که اگر ممکن باشد از جنس بشر به آن جهت که بشر است، شخصی رسول شود و ملائکه بر او وحی خدای سبحان بیاورد، رسول خدا را ببیند و با او از راه وحی سخن بگوید، باید دیگر افراد بشر نیز به آن جهت که بشرند، دارای این ویژگی ها بگردند؛ پس آنچه او ادعا می کند حق باشد، باید ما یا بعضی از ما نیز مانند او باشیم و آنچه را او مدعی دیدنش است ببینیم و آنچه او درک می کند ما نیز درک کنیم (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۵، ص ۲۷۳).

همچنین در مقابل دعوت پیامبر (ص) به یکتاپرستی، به مردم می گفتند: «أَجْعَلِ الْأَلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ: آیا او به جای این همه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟ این به راستی چیز عجیبی است» (ص: ۵۰). «عجَابٌ» به چیز بسیار عجیب گویند. برای بیشتر مردم، دست برداشتن از عقاید دیرینه و توجه به افکار جدید سخت و شگفت آور

است؛ چون گاهی باطل چنان اوج و قدرت می‌گیرد که سخن حق، سخنی عجیب و غیر قابل قبول می‌شود (قرائتی، ۱۳۷۵: ج ۸، ص ۸۲).

با توجه به این آیات، تردید و شبهه افکنی در اعتقادات و توحید یکی از شیوه‌های جنگ نرم است که مشرکان توانستند با تردید افکنی‌های ساده تا مدتی مردم را از گرایش به خداپرستی بازدارند و دشمنان خدا با پراکندن شبهه بین پیروان او، خود را حق و دوستان و اولیای او را باطل جلوه می‌دادند. در قرآن به آمیختن باطل با حق برای منحرف کردن مردم اشاره شده است: «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: و شما حق را به باطل نیامیزید و حقیقت را با اینکه می‌دانید، کتمان نکنید» (بقره: ۴۲)؛ این خطاب‌ها مربوط به رئیس‌ان بنی اسرائیل است که شما حق را با باطل می‌آمیزید و چهره نورانی حقیقت را با غبار باطل می‌پوشانید (طبرسی، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۱۵۲).

### ۱-۱. نمونه‌ای از شبهه در آیات و روایات

شبهه با وجود شباهت به حق، حق نیست؛ از این رو سبب گمراهی می‌گردد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «احذروا الشُّبُهَةَ فَإِنَّهَا وَضَعَتْ لِلْفِتْنَةِ: از شبهه حذر کنید؛ زیرا به قصد فتنه و گمراهی ساخته شده است» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۷، ص ۱۰۳؛ حرانی، ۱۳۹۵: ص ۲۳۳).

در تاریخ اسلام و بستر قرآن و روایات، جنگ رسانه‌ای دشمنان با تکنیک شبهه افکنی بسیار است که برخی از آنان عبارت‌اند از:

### ۱-۱-۱. کلمه مولی

در مقام اثبات دلالت این خبر در «مولی» بر امامت، بعضی از متعصبان عامه که نتوانسته‌اند اصل خبر را انکار کنند، گفته‌اند کلمه «مولا» معنای امامت و ولایت رانمی‌فهماند (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ص ۴۳)، بلکه به معنای محب است؛ یعنی علی پس از رحلت من، دوست دار

شماست و مراد از کلمه «بعد» بعدیت رتبی است که رتبه او در مقام محبت پس از رتبه من است؛ به اینکه او پس از درگذشت من، محبت مردمان را در وجود خود قرار خواهد داد (فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ج ۲، ص ۱۹۷).

### ۱-۲. عمار معیار حق

معاویه پس از کشتن عمار یاسر متوجه شد قتل عمار لریزه بردل بسیاری از مردم انداخته است و این فرمایش پیغمبر اکرم (ص) بر سر زبان‌ها افتاده است که «یقتل عمار بن یاسر الفئء الباغیة: عمار را جمعیت تجاوزپیشه می‌کشند» (طبری، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۲۴۶). عمرو بن عاص به معاویه گفت مگر نه این است که پیامبر خدا فرمود «الفئء الباغیة» عمار را می‌کشند؟! معاویه به او گفت: آیا ما او را کشتیم، جز این نیست که چون علی بن ابی طالب او را میان تیر و سرنیزه‌های ما افکند و کشته شد؟ چون این خبر به حضرت علی (ع) رسید، فرمود: «اگر چنین است، پس [پناه به خدا] باید بگویند پیامبر هم قاتل حمزه است که او را میان سرنیزه‌های مشرکان انداخت» (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۷۱). عمرو بن عاص و معاویه فریب‌کار بودند، دروغ می‌گفتند، مکر و فریب می‌ساختند و کسانی که بینش نداشتند، با این کارهای آنان به شک و دودلی گرفتار می‌آمدند (اسکافی، ۱۳۷۴: ص ۹۰)؛ همچنین این دو توانستند با همین شبهه‌ها و فریب‌ها مردم را از اطراف صراط مستقیم، امام علی (ع) پراکنده کنند و به راه کج و راه خود کشانند.

### ۱-۳. شبهه یهودیان بعد از تغییر قبله مسلمانان

یهودیان می‌گفتند «اگر چنانچه بیت المقدس مقدس است و نماز به طرف آن حق بوده، اکنون نماز خواندن به طرف بیت الله الحرام خلاف است و اگر اکنون کار درست است، در گذشته نادرست بوده است».

شبهه افکنان طوری شبهه ایجاد می کنند که شنونده و مخاطب معطل می ماند چکار کند. این افراد امر نادرست را درست نشان می دهند و غیر حق را حق جلوه می دهند. خداوند عالم در اینجا این افراد را ابتدا ترور شخصیتی می کند و برچسب سفاهت به آنها می زند و بعد از آن می فرماید: هم بیت المقدس و هم بیت الله الحرام مال خداوند است. خداوند به هر جا اراده کند، اراده او حق است: «سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلاَهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (بقره: ۱۴۲).

## ۲-۱. معیار در دفع شبهه

دفع شبهه ها بسیار سخت است و نیاز به معیار محکم دارد تا بتوان از دام متشابه عبور نمود. محکومات در اندیشه اسلامی به ویژه شیعی، اهل بیت رسول خدا (ص) است. در زیارت «آل یاسین» آمده است: «فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمْوَهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمْوَهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا اَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْه» (ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۵۶۷؛ مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۵۳، ص ۱۷۲، ح ۵).

همچنین امام علی (ع) به مالک اشتر هنگامی که او را به حکومت مصر و توابع آن گماشت، فرمان می دهد: «... وَاُردِدْ اِلَى اللّٰهِ وَ رِسُوْلِهِ مَا يَضْلَعُكَ مِنَ الْخُطُوْبِ وَ يَشْتَبِهْ عَلَيْكُمْ اِنْ الْاُمُوْرَ فَقَدْ قَالَ اللّٰهُ [سَبْحَانَهُ] تَعَالَى لِقَوْمٍ اَحْبَ اِرْشَادِهِمْ "يا أَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اطِيعُوا اللّٰهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُوْلَ وَ اُوْلِي الْاَمْرِ مِنْكُمْ فَاِنْ تَنٰازَعْتُمْ فِيْ شَيْءٍ فَرُدُّوْهُ اِلَى اللّٰهِ وَ الرَّسُوْلِ...": جایی که کارها بر تو مشکل شود و در اموری که برایت شبهه حاصل گردد، حل آن را به خدا و پیامبرش ارجاع ده که خداوند به مردمی که هدایت شان را علقه داشت، گفت ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا و پیامبر و اولی الامر اطاعت کنید. و اگر در برنامه ای اختلاف کردید، حکمش را به خدا و رسول بازگردانید» (امام علی (ع)، ۱۳۸۰، نامه ۵۳، ص ۴۳۴).



## ۲. شایعه‌سازی

از پرکاربردترین و تأثیرگذارترین ابزارها در جامعه که سبب ایجاد بذر ناامیدی، بدبینی، اختلاف و تفرقه می‌شود، شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی است. شایعه از شیعیان به معنای انتشار و پخش آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ذیل ماده شیعی) و در اصطلاح هر گزارشی تأیید نشده یا شرح حادثه‌ای است که آزادانه - بدون توجه به راستی و نادرستی آن - دهن به دهن می‌گردد (لسی، ۱۳۸۸: ج ۲، ج ۶۴۹). ابن منظور در لسان العرب معنای لغوی شایعه پراکنی را چنین بیان می‌کند: «شاع الخبر فی الناس یشیع شیعاً و شیعاناً و مشاعاً و شیعوته فهو شائع؛ به منتشر شدن و آشکار شدن خبر اطلاق می‌شود و وقتی می‌گوییم "اشاعه هو و اشاع ذکر الشیء"، بدین معناست که او خبر را اظهار و علنی نمود و به انتشار آن میان مردم پرداخت؛ بنابراین هرگاه یک خبر به گونه‌ای میان مردم منتشر شود که تقریباً همگان بدان مطلع شوند، به آن شایعه یا خبر شایع گویند. "الشاعه" به مجموعه‌ای از اخبار منتشره اطلاق می‌گردد» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۱۹۱، ماده [شیعی]).

## ۲-۱. اهداف شایعه

شایعه سلاحی است برای نابودی روحیه ملت‌ها که غالباً غرض از آن دو چیز است؛ اول: فکر انسان را فلج و آن را مطیع خود کند. دوم: انسان را مانند یک طوطی به سخن‌گفتن وادارد؛ درحالی‌که نمی‌داند چه چیزی تکرار می‌کند و از چیزی سخن به زبان می‌آورد که آن را نمی‌فهمد (نصر، ۱۳۸۷: ص ۲۹۳). شایعه از طریق مطبوعات، رادیو، تلویزیون یا دیگر وسایل ارتباط جمعی منتشر می‌شود. شایعات گاهی در بردارنده واقعیت هستند یا بر اساس یک حقیقت بنا می‌شود، ولی نمی‌توانیم اعتماد کنیم؛ چون بیشتر اوقات شایعه فقط یک جعل خبر است که مروجان آن را برای کمک به دشمن، به عنوان جزئی از جنگ کلمات به کار می‌گیرند (نصر، ۱۳۸۷: ص ۹۴).

یکی از هدف‌های مهم شایعه‌پراکنان، دلسردکردن مردم و افزایش نگرانی بین آنان، به منظور بیرون‌راندن مردم و گروه‌ها و دولت‌های هدف از صحنه است. یکی دیگر از هدف‌های شایعه‌پراکنان، جبران شکست‌های خودشان است. هدف دیگر شایعه‌پراکنان، به وجود آوردن جوّ بدبینی و بدگمانی به نیروهای اصیل کشور یا ملت و دولت و نیروهای مسلح مورد هدف است تا شایعات جوّ بدبینی و سوءظن را به تمامی آنهایی که در راه پیشبرد اهداف کشور و دین خود تلاش می‌کنند، افزایش دهد تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. از دیگر اهداف شایعه‌پراکنان ایجاد هراس و وحشت بین مردم است؛ به مصداق این ضرب‌المثل که ترس برادر مرگ است که می‌خواهند جامعه را با ایجاد رعب و وحشت به قبول ذلت و پذیرش اهانت وادارند (متفکر، ۱۳۹۰: ص ۱۱۸). شایعه از مقیاس زمان به سه دسته شایعه خزنده، خشونت‌بار و شایعه فروشونده تقسیم می‌گردد (مهدیان، ۱۴۰۰: ص ۲۹ - ۳۳).

### ۳. عرفی‌سازی

از جمله شیوه‌هایی که برای متقاعدکردن مخاطب استفاده می‌شود، تکنیک عرفی‌سازی است. در این روش با بهره‌گیری از زبان، عادت‌ها و آداب مردم عادی و نیز نوع لباس آنها در ارتباطات رودررو، می‌کوشند تا خواسته و موضع خود را متناسب با ذائقه عموم مردم بشناسانند و در مواردی که جمعیت هدف به زبان و آداب معاشرت رسمی یا روشنفکرانه بدگمان است، استفاده از این تکنیک بسیار مؤثر خواهد بود. در فارسی عرفی‌شدن دین برابر با کلمه سکولاریزاسیون است که به معنای قداست‌زدایی و دیانت‌زدایی است (بیات، ۱۳۹۸: ص ۳۲۷). در نگاهی اجمالی می‌توان آن را به دو نوع اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم رسانه بر عرفی‌شدن فرهنگ دسته‌بندی کرد. در مواردی که فعالیت رسانه بدون واسطه به عرفی‌شدن فرهنگ می‌انجامد، از نوع اثرگذاری مستقیم این رسانه بر فرهنگ دانسته

می‌شود. در موارد دیگری ممکن است فعالیت رسانه، به طور مستقیم در عرفی شدن فرهنگ مؤثر نباشد؛ ولی به تحقق امور و شرایطی می‌انجامد که در نهایت به عرفی شدن فرهنگ منتهی می‌شود. نیل پستمن (Neil Postman) محدودیت رسانه‌ای به‌ویژه در عرصه تلویزیون در حوزه فعالیت دینی را چنین بازگو می‌کند: «هیچ‌یک از بنیان‌گذاران مذهبی، نه موسی (ع)، نه عیسی (ع) و نه محمد (ص) و نه حتی بودا و لوتر، هرچه را مردم می‌خواستند به آنان هدیه نمی‌کردند، بلکه چیزی را عرضه می‌داشتند که برایشان ضروری و مفید بود؛ اما تلویزیون این وظیفه و مسئولیت را ندارد که آنچه مردم بدان نیازمند هستند و برای آنها ضروری و مفید هستند، به آنها عرضه کند؛ زیرا تلویزیون، دوست‌دار مصرف‌کننده است» (عباسی، ۱۳۸۲: ص ۹۱). مکانیسم عرفی شدن ارزش‌ها از سوی رسانه حتی در عصر نبوی (ص) نیز بدین‌گونه است و جریان رسانه‌ای نه آنچه مردم نیاز دارند، بلکه آنچه مردم دوست دارند را به آنان ارائه می‌نماید. بارزترین مسئله در نوع عملکرد مشرکان در برابر تازه مسلمان‌شده‌ها را هم در ابعاد وعده و هم شکنجه می‌توان دید که اوج آن در شهادت یاسر و سمیه تجلی یافت. از دیگر اهداف جنگ رسانه‌ای در سطح عرفی‌سازی، تقدس‌زدایی از عناصر فرهنگ دینی و آماج دیگر آن نیز برجسته‌سازی گروه‌های مرجع عرفی برای کاستن از مرجعیت دینی است (ترنر، ۱۳۷۸: ص ۱۹۴). گروه‌های مرجع می‌توانند بر گروه‌های مختلف اجتماعی اثرگذار باشند؛ ولی جوانان و نوجوانان بیشترین اثرگذاری را از گروه‌های مرجع می‌پذیرند. نفوذ گروه‌های مرجع در جوامع مختلف، متفاوت است و میزان نفوذ این گروه‌ها به شرایط فرهنگی حاکم بر جوامع بستگی دارد.

#### ۴. بدعت

واژه «بدعت» از ریشه «بدع» مصدر است و به معنای نوآوری و پدیدآوردن چیزی است بدون آنکه از پیش وجود داشته باشد و آفرینش یابد یا یادکردی از آن شده باشد یا شناختی

به آن حاصل شده باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۵۴، ماده «بدع»). از لحاظ اصطلاحی یعنی امر تازه‌ای که اصلی در کتاب و سنت ندارد (طریحی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۱۶۴)؛ به عبارت دیگر بدعت آن است که کسی گفتاری یا کرداری در دین وارد کند و در گفتار و کردار خویش به صاحب شریعت و نمونه‌های متقدم و اصول محکم دینی استناد نوزد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۳۹).

یکی از آسیب‌های مهمی که جریان‌های فکری و فرهنگی به ویژه ادیان و شریعت‌های الهی را در طول تاریخ با مشکلات روبرو کرده، بدعت و جریان‌های بدعت‌گذار بوده است. بدعت در باورهای مردم ایجاد تردید می‌کند؛ از این رو فرقه‌ها و جریان‌های باطل پدیدار می‌شوند و سبب ناکارآمدی و گریز از دین می‌گردد. اسلام به ویژه مکتب آسمانی اهل بیت (ع) همواره در طول تاریخ با بدعت و بدعت‌گذاری مواجه بوده است؛ از این رو بر مرزبانان اندیشه ناب اسلامی است که با هوشیاری از ارزش‌های اسلام مراقبت و حراست کنند و مانع بروز و ظهور بدعت‌ها در عرصه دینی و سیاسی شوند.

#### ۴-۱. بدعت از دیدگاه قرآن کریم

از دیدگاه قرآن کریم، واژه «بدع» و مشتقات آن چهار مرتبه به کار رفته است: دو مرتبه به صورت «بدیع»: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: نوپدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است» (بقره: ۱۱۷)؛ به معنای مُبدع درباره خداوند متعال؛ یک مرتبه با واژه «بدع»: «قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ: بگو من نوآمده‌ای از پیامبران نیستم» (احقاف: ۹) درباره پیامبر (ص)؛ یک مرتبه نیز با واژه «ابتداع»: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا: و رهبانیتی [گوشه‌گیری‌ای] که از پیش خود در آوردند» (حدید: ۲۷) درباره نصاری به کار برده شده است. در سه مورد نخست، معنای لغوی بدعت مراد است؛ اما در مورد چهارم، یعنی آیه ۲۷ سوره «حدید» دو نظر وجود دارد که

یکی از آنها در بدعت اصطلاحی و محرم به کار برده شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۳۳۸؛ سبحانی، ۱۴۱۶: ص ۱۳ - ۳۳).

#### ۴-۲. بدعت از دیدگاه احادیث و روایات

جهان اسلام همواره مورد تهاجم رسانه‌ای دشمن بوده است و دشمن به ویژه یهودیت تلاش داشته است با ایجاد بدعت، مسیر اسلام را تغییر دهد. در برخی از روایات، نوآوری‌های دینی بدترین امور توصیف شده است و آنها را به بدعت تفسیر نموده‌اند (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ص ۴۸۳): «شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَالَّةٌ: بدترین کارها، نوساخته‌هاست». (عبارت «مُحَدَّثَاتُ الْأُمُور» در متن عربی حدیث به چیزهایی می‌گویند که نه در قرآن آمده باشد، [نه در سنت و نه اجماعی بر آن شده باشد؛ یعنی آیین نو و رسم تازه و بی سابقه در دین] هر نوساخته‌ای بدعت است، و هر بدعتی، گمراهی است) (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ص ۴۶۸). همچنین تفسیر بدعت به نوآوری در دین، پس از پیامبر (ص) است. در روایتی آمده است: «السُّنَّةُ مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ، وَالبَدْعَةُ مَا أُحْدِثَ مِنْ بَعْدِهِ: سنت آن چیزی است که پیامبر خدا (ص) وضع کرده باشد؛ بدعت آن چیزی است که پس از او پدید آورده شود» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ص ۴۶۸). این روایت انواع نوآوری‌های دینی پس از پیامبر (ص) را بدعت می‌داند و ممنوع اعلام کرده است. در روایتی دیگر بدعت به نوآوری‌هایی تفسیر شده است که برخلاف فرمان خداوند متعال در قرآن کریم و سنت پیامبر او و بر اساس رأی و هوس باشد: «وَإِنَّمَا أَهْلُ البَدْعَةِ فَاَلْمُخَالِفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ لِكِتَابِهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ الْعَامِلُونَ بِرَبَائِهِمْ وَ أَهْوَائِهِمْ وَ أَن كَثُرُوا: اهل بدعت کسانی هستند که با فرمان خدای متعال و با کتاب او و پیامبرش مخالفت بورزند و بر اساس رأی و گرایش خود عمل می‌کنند، هرچند شمارشان بسیار باشد» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ج ۱۱، ص ۴۷۰).

### ۳-۴. عوامل پیدایش بدعت در اسلام

این پرسش پیش می‌آید که چرا گروهی دست به بدعت می‌زنند؟ و انگیزه بدعت‌گزاران بدعت چیست؟ اسباب و انگیزه‌های بدعت فراوان است که به چند سبب اشاره می‌شود.

#### ۱-۳-۴. تقدس جاهلانہ

یکی از عوامل و اسباب پیدایش بدعت، تقدس جاهلانہ بعضی از مقدس‌مآبان بود که از روی ناآگاهی اعمالی را انجام می‌دادند و به شرع نسبت می‌دادند؛ برای نمونه:

۱. عثمان بن مظعون از صحابه پیامبر اکرم (ص) است که روزها روزه می‌گرفت، شب‌ها هم عبادت می‌کرد و خودش را به زحمت انداخته بود و با همسرش نزدیکی نمی‌کرد. همسرش جریان را به عرض پیامبر (ص) رساند. پیامبر عثمان بن مظعون را خواست و فرمود این چه کاری است که تو می‌کنی؟ من هم که پیامبر و رهبرم، شب می‌خوابم و با همسر نزدیکی می‌کنم (سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۰۷). عثمان بن مظعون به دلیل ناآگاهی فکر می‌کرد این نوع کار خیلی خوب است؛ از این رو جهل او را وادار به بدعت کرده بود.

۲. نمونه دیگری از تقدس جاهلانہ بدعت‌گزاری که به انگیزه تقرب بیشتر به خدا انجام شد، در آیه اول سوره مبارکه «حجرات» مطرح شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ: ای افراد باایمان، بر خدا و بر پیغمبر پیشی نگیرید» (حجرات: ۱). مراد از «لَا تُقَدَّمُوا» این نیست که در راه رفتن بر پیامبر پیشی نگیرند، بلکه مراد این است که در اندیشه و عقیده پیشی نگیرید. در شأن نزول این آیه نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) در روز دهم سال هشتم هجرت در ماه مبارک رمضان از مدینه به قصد فتح مکه حرکت کردند؛ میان سپاهیان سواره و پیاده فراوان بود. زمانی که به نقطه‌ای به نام «کراع الغمیم» رسیدند، پیامبر (ص) کاسه آبی خواست و آن را بین نماز ظهر و عصر نوشید و امر کرد دیگران نیز

روزه خود را بشکنند؛ ولی گروهی به خیال اینکه روزه در سفر که با رنج بیشتری همراه است، ثواب فزون‌تری دارد، از شکستن روزه خودداری کردند. رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: آنان گنهکارند (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۱۲۷، ح ۵).

#### ۴-۳-۲. تعصب‌های ناروا

عامل دوم پیدایش بدعت، تعصب‌های ناروای بدعت‌گذار درباره عقاید موروثی از نیاکان است که میان آنان زندگی کرده است و سبب می‌شود عده‌ای خود را به گناه آلوده کنند. این عامل مثل عامل اول نیست که جاهلانه باشد، بلکه عالمانه است و با کمال آگاهی حاضرند این بدعت را ایجاد کنند؛ یک نمونه از این نوع در فتح طائف رخ داد. پیامبر اکرم (ص) بعد از فتح مکه، برای فتح طائف به آنجا رفت؛ اما به دلیل وجود دیوارهای بلند در اطراف شهر، پیامبر (ص) از فتح آنجا منصرف شد و به مدینه برگشت. مردم طائف تاجر بودند و چون دیدند همه شبه جزیره عربستان مسلمان شده‌اند، تصمیم گرفتند آنها هم مسلمان شوند؛ بنابراین هیئتی را با عنوان نمایندگان طائف به حضور رسول خدا (ص) فرستادند و خواهان پیوستن به مسلمانان شدند، به شرط اینکه بین آنان و پیامبر پیمانی بسته شود. پیامبر (ص) به امام علی (ع) فرمودند: علی جان، بین اینها چه می‌گویند و پیمانشان را بنویس تا من امضا کنم. نمایندگان طائف گفتند: ما حاضریم اسلام بیاوریم، مشروط بر چهار شرط؛ اول: ربا که در اسلام حرام است و می‌فرماید «حَلَّ اللهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)، برای ما حلال باشد. دوم: زنا آزاد باشد. سوم: وجوب نماز از ما برداشته شود. چهارم: تا یک سال ونیم بت خانه‌های ما برای زنان سرپا باشد. امام علی (ع) حاضر به نوشتن این شروط نامشروع نشد؛ آنها هم به فردی اموی گفتند بنویسد؛ سپس به محضر پیامبر (ص) تقدیم کردند. پیامبر (ص) هیچ‌کدام از شرایط را نپذیرفت و در مقابل شرط اول که حلیت ربا باشد، فرمودند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا

بَقِيَ مِنَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۸)؛ در برابر شرط دوم یعنی آزادی عمل جنسی زنان، فرمودند: «وَلَا تَقْرُبُوا الرِّبَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً» (اسراء: ۳۲)؛ در جواب این شرط که نماز بر آنها واجب نباشد، فرمودند: «لا خیر فی دین لا صلاة فیہ» (ابن اثیر، ۱۳۸۷: ص ۲۱۶)؛ در مقابل شرط چهارم نیز فرمودند: اصل این شرط قابل ذکر نیست؛ چون هدف من برچیدن بت خانه هاست؛ بنابراین نامه را پاره و دور انداختند (سبحانی، ۱۴۲۱: ص ۱۰۹).

در عصر نبوی (ص) به دلیل اینکه رسول اکرم (ص) حضور فیزیکی در جامعه داشتند، دشمنان اسلام فرصت چندانی برای ایجاد بدعت نیافتند و غالب بدعت ها در اسلام، بعد از رحلت آن حضرت (ص) ایجاد گردید.

#### ۴-۳-۳. تحریف واقعیت

تحریف از ریشه «حرف» به معنای گوشه، کنار و طرف است (جوهری، ۱۳۸۷: ج ۳، ص ۱۳۴۲). خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ» (حج: ۱۱)؛ از این رو تحریف گفتار به این معناست که با تغییر و جابجا کردن کلمات و جملات یا تفسیر نادرست، مفهوم مورد نظر متکلم را از بستر صحیح و مطلوب خارج می کند و به مفهومی کناره می کشاند که در حاشیه معنای اصلی جای داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۱۵-۱۶). در اصطلاح به هفت معنا آمده است: تحریف معنوی (مفاد کلام)، تحریف موضعی، تحریف در قرائت قرآن، تحریف در شیوه ادای کلمات، تحریف به تبدیل کلمه، تحریف به زیادت، تحریف به کاستی (معرفت، ۱۳۹۶: ص ۲۵-۲۳).

درباره تاکتیک های استفاده شده در جریان قدرت نرم برای تحریف، تاکتیک ها و تکنیک های بسیاری برای تحریف واقعیت ها وجود دارد؛ استفاده از توازن دروغین (مخالف قوی و موافق ضعیف)، جابجایی اصل و فرع، جابجایی تأخر و تقدم و کارشناسانی که حرف های غیرکارشناسی می زنند، از جمله تکنیک هاست. زاویه



دید روایت و گزارش اهمیت بسیاری دارد؛ مثل اینکه در اعتراض‌های فلسطینی‌ها به اشغالگری‌های اسرائیل، دوربین کجا قرار داشته باشد و از کدام سو فیلم برداری شود؟ گزینش‌گری یا دروازه‌بانی موضوعات، جملات، واژه‌ها و کارشناسان نیز جایگاه مهمی دارد. مدیریت تصاویر و چینش، تکرار (موضوعات غلط و نادرست در قالب‌های گوناگون به طور مکرر گرفته شود)، بمباران اطلاعاتی، به حاشیه بردن یک موفقیت با برجسته‌کردن خبری دیگر و بازنمایی صفر و یکی اتفاقات از دیگر تاکتیک‌های دشمنان است. تمام تاکتیک‌ها و تکنیک‌هایی که در جنگ روانی و جنگ روایت‌ها وجود دارد، می‌تواند در جریان تهدید نرم و با رویکرد تحریف استفاده شود.

یکی از گروه‌هایی که تا کنون بی‌نظیر و تاریخچه‌ای طولانی در تحریف حقایق آسمانی داشته است، قوم یهود است که در چند جای قرآن به این اقدام زشت آنها اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴، ص ۴۰۱).

در شأن نزول آیه «يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ» (مائده: ۴۱) آمده است یهودیان بین خود به یک حادثه و واقعه‌ای دینی مبتلا شدند؛ واقعه‌ای که از نظر دین خودشان حکمی داشت، ولی اعمال ما شأن آنها را تغییر داده بودند و برای اینکه این حکم اجرا نشود، آنان را به نظر رسول خدا فرستادند و دستور دادند که پیامبر اسلام را در کار خود حکم قرار دهند؛ اگر او نیز طبق حکم ما یعنی همان حکم تحریفی حکم کرد، قبول کنند و اگر حکم دیگری یعنی همان حکم ما یهود از تورات دزدیده و پنهان کرده بودند کرد، از قبول آنها برحذر باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴، ص ۳۳۸).

##### ۵. مستندسازی (گواهی)

اقناع نقطه اوج مبحث ارتباطات است. اقناع مصدر قناعت و به معنای بسندگی، سیری، اشباع، بی‌نیازی و به‌ثمرنشستن و کامل شدن است؛ همه اینها نشانه‌هایی از پیروزی و

رضایت مندی است. به طور کلی اقناع، هدف اساسی و غایی همه نوع رفتارهای ارتباطی است. ارتباط موفق و مؤثر آن گونه ارتباطی است که نتیجه دلخواه یعنی اقناع را به دنبال داشته باشد؛ در این صورت می توان به آن ارتباط متعالی نیز گفت. زمانی که شخصی پیامی را می فرستد، مخاطبان با دریافت این پیام سه نوع واکنش می توانند داشته باشند: رد و نفی، بی تفاوتی و خنثی، پذیرش و رضایت مندی. وقتی حالت پذیرش رخ می دهد، می توان گفت گیرنده و مخاطب اقناع شده است. اقناع در جایگاه فرایندی ارتباطاتی تعریف می شود که در آن یک منبع، شواهد و نتایج را بیان می کند و هدف وی غالب آمدن بر دریافت کننده و ایجاد تغییری در وی است.

در اقناع به نوعی دنبال ترغیب مخاطب هستیم؛ ترغیب عبارت است از تمهیدپردازی و آماده سازی، انگیزه سازی و برانگیختن مخاطبان در راستای متحقق کردن اهداف عمدتاً تبلیغی. ابزارهای ترغیب عبارت اند از: شعر، موسیقی، آواز، دکور، آمار و ارقام و... تکنیک گواهی یا استناد، عبارت از آن است که یک شخص مورد احترام یا منفور، فکر، برنامه یا سیاست معینی را تأیید یا نفی کند.

گواهی انبیا بر پیمان گرفته شده از آنان درباره پیامبر اسلام (ص) و تحمل و ادای شهادت از سوی انبیا بر پیمان گرفته شده از آنان، درباره یاری کردن یکدیگر امری واجب است: «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ: و [به یاد بیاورید] هنگامی را که خداوند از پیامبران [و پیروان آنها]، پیمان مؤکد گرفت که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید. سپس [خداوند] به آنها گفت: آیا به این موضوع اقرار دارید؟ و بر آن پیمان مؤکد بستید؟ گفتند: [آری] اقرار داریم! [خداوند به آنها] گفت: پس گواه باشید و من نیز با شما از گواهانم» (آل عمران، ۸۱).

شهادت چهار مرد مسلمان، برای اثبات فحشای زنان لازم است: «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْأُفْحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا: و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را به عنوان شاهد بر آنها بطلبید؛ اگر گواهی دادند، آنان [= زنان] را در خانه‌ها [ی خود] نگاه دارید تا مرگ شان فرارسد یا اینکه خداوند راهی برای آنها قرار دهد» (نساء: ۱۵).

مفسران روایتی نقل کرده‌اند که رسول خدا (ص) وقتی آیه تازیانه در ابتدای سوره «نور» نازل شد، فرمود: این همان راه علاج و سبیلی است که خدای تعالی در آیه پانزده سوره «نساء» وعده اش را داده است. همچنین گواهی، طریق و راه معتبری برای اثبات مدعا در دین یعقوب (ع) بوده است: «ارْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمَنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ\* وَأَسْأَلُ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ: شما به سوی پدرتان بازگردید و بگوئید: پدر [جان]، پسرت دزدی کرد و ما جز به آنچه می دانستیم گواهی ندادیم؛ و ما از غیب آگاه نبودیم [و اگر اطمینان نداری]، از آن شهر که در آن بودیم، بپرس و نیز از آن قافله که با آن آمدیم [بپرس]. و ما [در گفتار خود] صادق هستیم» (یوسف: ۸۱ - ۸۲).

مستندسازی در جنگ رسانه‌ای از دو جهت حق و باطل قابل ارائه و بررسی است. جبهه حق در جنگ رسانه‌ای به بیان حقایق و ارائه مستندات با هدف اقناع افکار عمومی جامعه تلاش می‌کند؛ اما جبهه باطل با ارائه خبر باطل و مستندات دروغین، به اثبات سخن خود و انحراف افکار عمومی می‌پردازد.

## راهکارهای فقه شیعه برای مقابله

### ۱. بصیرت بخشی

بصیرت در لغت به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۴، ص ۶۵، واژه «بصر»). در اصطلاح عبارت است از قوه‌ای در قلب

که به نور الهی نورانی است که توسط آن حقایق اشیا و امور را درک می‌کند؛ همان طور که شخص به وسیله چشم، صُور و ظواهر اشیا را می‌بیند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۹: ج ۶، ص ۲۶۳).

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) بصیرت را با تعبیری زیبا و ناب آن را برای شناخت هدف، تشخیص راه صحیح، رسیدن به هدف، تشخیص دشمن و موانع راه و شناخت راه‌های برطرف کردن موانع ضروری دانسته‌اند و فرمودند: «بصیرت قطب‌نمای حرکت بسیج در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است؛ به گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشت و نقشه‌خوانی بلد نبود، ممکن بود ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند» (مقام معظم رهبری در دیدار مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵). خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ: آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند، یا گوش‌هایی که با آن حقیقت را بشنوند؟ البته چشم‌های آنان کور نیست؛ ولی دل‌هایی که در سینه دارند، نابیناست» (حج: ۴۶).

## ۱-۱. عوامل بصیرت‌آفرین

### ۱-۱-۱. تفکر در آفاق

قرآن یکی از عوامل ایجاد بصیرت را تفکر در آفاق معرفی می‌کند و می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ: و زمین را گسترش دادیم و در آن کوه‌های عظیم و استوار افکندیم و از هر نوع گیاه بهجت‌انگیز در آن رویاندیم تا وسیله بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه‌کاری باشد» (ق: ۷ - ۸).

### ۱-۲. تفکر در انفس

یکی دیگر از تفکراتی که انسان را به «بصیرت» رهنمون می‌کند، تفکر انسان در مورد خویش است. خداوند می‌فرماید: «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» و در وجود خود شما [نیز آیاتی است] آیا نمی‌بینید؟» (ذاریات: ۲۱).

### ۱-۳. دشمن‌شناسی

دشمن‌شناسی و بصیرت‌افزایی یکی از ضرورت‌های جامعه امروز است. مفهوم بصیرت‌افزایی در دشمن‌شناسی نهفته است و تنها راه جلوگیری از تهاجم دشمن، پیروی از اهداف انقلاب است. شناخت نداشتن و درک نکردن مفهوم بصیرت‌افزایی برابر است با ورود دشمن در تمام عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی که در این حالت دشمن می‌تواند با حربه‌های مخفیانه اهداف خود را با تأثیر بر افکار اقشار مختلف جامعه پیش ببرد؛ به همین دلیل دشمنان انقلاب اسلامی برای تضعیف نظام کشور ایران تهاجم فرهنگی را در پیش گرفته‌اند و بدین ترتیب تمام توان خود را صرف منحرف کردن ذهن نوجوانان و جوانان به هرزه‌پویی و ایجاد شبهات فرهنگی میان اقشار مختلف جامعه کرده‌اند. در بصیرت‌افزایی و شناخت مؤلفه، باید با معیار مشخص حرکت کرد تا معیارگرایی جای شخص‌گرایی، حق‌گرایی جای مصلحت‌گرایی و تعقل‌گرایی به جای احساس‌گرایی نهادینه شود و در این راستا شناخت مؤلفه‌های بصیرت همانند جبهه‌شناسی و جریان‌شناسی ضروری به نظر می‌رسد (رشوند، ۱۳۸۸: ص ۱۶).

### ۱-۴. ارائه برهان حسی

یکی از راه‌هایی که تأثیر بسزایی در افزودن بصیرت دارد، ارائه برهان حسی است که شخص آن را به خوبی و زیبایی با گوشت و پوست خود حس کرده است؛ همان‌طور که در قرآن

کریم در سوره «یس» به آن اشاره شده است. روایت شده است مرد عرب مشرکی استخوان پوسیده‌ای را با خود به خدمت پیامبر (ص) آورده بود. او ابی بن خلف یا عاص بن وائل یا امیه بن خلف نام داشت و قطعه استخوانی را به دست گرفته بود و می‌گفت با این دلیل محکم به مخاصمه با محمد (ص) می‌روم و سخن او را درباره معاد باطل می‌کنم. نزد پیامبر (ص) آمد و صدا زد: «قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ: چه کسی می‌تواند این استخوان را درحالی که پوسیده است، از نو زنده کند؟» (یس: ۷۸). کدام عقل این ادعا را باور می‌نماید؟ شاید در همین حال برای تأکید سخنان خود قسمتی از آن استخوان را نرم کرد و روی زمین ریخت. به دنبال آن خداوند به پیامبر (ص) دستور می‌دهد پاسخ قاطعی از طرق مختلف به او و امثال او بدهد که یکی از آنها مسئله آفرینش نخستین است که قرآن آن را به گونه‌ای بسیار کوتاه و جالب مطرح کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴، ص ۱۱۲). خداوند می‌فرماید: «قُلْ يَحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»؛ در جوابش ای پیغمبر بگو: همان کس که روز اول خلق نمود، آنها را با آنکه هیچ نبودند، علم و قدرتش جایی نرفته است و به هر شکل و صورت که بخواهد همان استخوان‌های پوسیده را بیرون می‌آورد و می‌داند آنها را چگونه جمع و تألیف نماید که به صورت اول برگردند. آیا چیزی که نبوده، خلق نمودنش مشکل‌تر است یا چیزی که بوده و خراب شده، دومرتبه بخواهند بسازند.

## ۲. بیان سرنوشت کافران

یکی از عوامل و راه‌هایی که می‌تواند تأثیر بسزایی در مقابل حملات روانی رسانه‌ای دشمن داشته باشد، عبرت‌گیری و تبیین سرگذشت افراد کافر است. واژه عبرت در قلمرو تربیت کاربرد گسترده‌ای دارد. همه ادیان الهی و مکاتب تربیتی، پیروان خود را به درس‌آموزی از سرگذشت پیشینیان و مقایسه موقعیت خود با آنان دعوت می‌کنند. امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۸۲ نهج البلاغه چنین می‌فرماید: «وَمَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ، وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا

أَعْمَتْهُ: هرکه به دیده عبرت به آن [دنیا] نگریست، او را بینا کرد؛ و هرکس به چشم خریداری به آن نظر نمود، او را به نابینایی دچار کرد».

عبرت‌انگیزی از جمله عوامل کسب بصیرت و بینش است. حضرت می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأَةً تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ: خدا رحمت کند بر کسی که بیندیشد و عبرت گیرد و چون عبرت گرفت، دیده دلش گشوده شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳). در اندیشه مولای متقیان (ع) بصیر کسی است که همواره در پی عبرت‌انگیزی باشد: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَنَظَرَ فَأَبْصَرَ وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ: همانا انسان بصیر کسی است که شنید و اندیشه کرد و از عبرت‌ها سود برد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳). در نگاه ایشان مؤمن واقعی کسی است که نگاهش به دنیا، نگاه پندگیرانه و عبرت‌آموز باشد: «الْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ: مؤمن با چشم عبرت‌آموزی به دنیا نگاه می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۱)؛ چراکه این شیوه تربیتی اسلام است. امام علی (ع) در جای دیگری می‌فرماید: «أَنَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَعِبْرَةً لِدَوَى اللَّيْلِ وَالْإِعْتِبَارِ: به راستی که در هر چیزی برای خردمندان و پندگیران، پند و عبرتی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۱). به تعبیر حضرتش در هر پندی نیز بینش و بصیرتی است: «فِي كُلِّ اعْتِبَارٍ اسْتِبْصَارٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۱). قرآن کریم کلمه «عبرت» و «اعتبار» را هفت مرتبه به کار برده است و اهل بصیرت را بر توجه به آن تشویق می‌نماید: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ: عبرت بگیرید ای صاحبان بصیرت» (حشر: ۲). در جای دیگر نیز هدف از بیان داستان‌ها و وقایع تاریخی را عبرت‌پذیری می‌داند: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ: در سرگذشت آنان، عبرتی برای صاحبان اندیشه بود» (یوسف: ۱۱۱). حضرت علی (ع) که خود «قرآن ناطق» است، با اشاره به برنامه عبرت‌آموزی قرآن می‌فرماید: «تدبروا آیات القرآن و اعتبروا به فانه ابلغ العبر: در آیه‌های قرآن بیندیشید و به وسیله آنها پند گیرید؛ زیرا آیات قرآن رساترین عبرت‌هاست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ج ۳، ص ۲۸۴).

### ۳. ترویج نگاه توحیدی

انسان در پرتو شناخت خدا و توجه به او و نه در غفلت و بی‌خبری از او و نیز در عمل و فعالیت ساخته می‌شود، نه با نظر و اندیشه محض. همچنین وی ضمن عمل اجتماعی و همراه و هماهنگ با جامعه توحیدی ساخته می‌شود، نه جدا از قافله اهل توحید؛ بنابراین انسان اندیشمند خداشناس و بشر عمل‌گرای بریده از جامعه توحیدی، انسانی ناقص است. پس در حقیقت معنای «ایاک نعبد»، این است که «خدایا، ما مردم جامعه توحیدی در حرکتی هماهنگ، همه با هم به سوی تو و گوش به فرمان تو، در مسیر پرستش تو روان هستیم» (مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲۶، ص ۱۰۷-۱۰۶). این حقیقت ناگوار، انکارنشدنی است که امروزه قدرت ما در دفاع جانانه از مکتب توحیدی و نیز فرصت ما در الگوسازی برای جوامع دیگر، محدودتر شده است.

### ۳-۱. آثار و کارکرد توحید

آثار و کارکرد نگاه توحیدی در برابر تهدید نرم دشمن عبارت‌اند از:

#### ۳-۱-۱. اقتدار اجتماعی و استکبارستیزی

جامعه توحیدی که تنها خداوند را می‌پرستد و تنها به رضایت او می‌اندیشد، مخاطب ندای الهی است؛ چنین جامعه‌ای از هیچ قدرتی هراس ندارد (آل عمران: ۱۳۹). توحید عبادی و اخلاص، شرط لازم برای ایجاد چنین اقتداری در جامعه است (مجلسی، ۱۳۸۶: ج ۶۶، ص ۲۸۵). مطابق با آیات قرآن کریم، حضرت هود (ع) قوم خود را به توحید عبادی و استغفار از شرک و بازگشت به خدا دعوت می‌کند و یکی از کارکردهای آن را افزایش قدرت آنها می‌داند: «وإلی عاد أخاهم هوداً قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره إن أنتم إلا



مُفْتَرُونَ يَا قَوْمِ لَأَسْأَلَنَّكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (هود: ۵۰-۵۲). در نتیجه اقتدار، چنین جامعه‌ای سر تعظیم در برابر هیچ مستکبری خم نخواهد کرد؛ اگر تنها خداوند را بنده است، پس در برابر غیر خدا احساس آزادی می‌نماید و هرگز تحت سیطره مستکبران قرار نخواهد گرفت. خداوند نیز یار موحدان استکبارستیز است؛ همچنین اصحاب کهف نیز نمونه‌ای از این اجتماع بودند. آنها هرگز حاضر نشدند دست از توحید عبادی بردارند و بر این اساس برای رهایی از سلطه مستکبران حرکت نمودند.

### ۳-۱-۲. وحدت میان اقوام و ملت‌ها

یکی از نگرانی‌های رهبران جوامع، یافتن یا ایجاد محورهایی است که بتوانند بر اساس آن در جامعه، وحدت و همدلی ایجاد نمایند تا به اجتماعی دارای یک هویت خاص و ویژه دست یابند. حکومت‌ها در این راستا به تقویت مفاهیمی چون «وطن»، «زبان»، «نژاد» و... می‌پردازند و سبک زندگی جامعه را بر اساس این مفاهیم شکل می‌دهند. اما از آنجاکه این مفاهیم اعتباری هستند و از ارزش حقیقی برخوردار نیستند، گاهی شعله یک اختلاف جدید روشن می‌شد و پایه‌های وحدت جامعه را برهم می‌ریخت. در جامعه‌ای که فقط خداوند پرستش می‌شود، رنگ و نژاد و قبیله بی‌ارزش است (حجرات: ۱۳). در نگاه توحیدی، ارزش زمین خداوند به عبادت اوست (عنکبوت: ۵۶). در سایه نگاه توحیدی و پرستش خدای یگانه، نه تنها یک ملت، بلکه همه موحدان می‌توانند در برابر مشرکان صف واحدی باشند (آل عمران: ۶۴). در نتیجه هنگامی که نگاه توحیدی در سطح بینشی جامعه جریان یابد، توطئه‌های دشمنان در عرصه رسانه‌ای با هدف ایجاد اختلاف و کاستن از اقتدار جامعه اسلامی خنثی خواهد شد.

### ۳-۱-۳. اطمینان به نصرت الهی

نصرت مؤمنان بخشی از سنت‌های الهی است که در قرآن برای افراد و اجتماع مؤمنان بیان شده است و مسئله حضور قرآن در صحنه زندگی مسلمانان، مسئله‌ای است که همیشه فکر مصلحان اسلامی را به خود مشغول داشته است. اگر اعتقاد به قرآن وجود دارد و این را می‌دانیم که از طرف خداست و همه گفته‌هایش درست است، باید به همه مضامین آن عمل کنیم. قرآنی که به بخشی از آن در حوزه فردی عمل شود، نمی‌تواند پاسخ‌گوی سعادت جمع باشد. قرآن را باید به این معنا وارد زندگی فردی و اجتماعی نمود و از دستورالعمل‌هایش در جایگاه تنها سند سعادت دنیوی و اخروی بهره جست. تکیه کردن به وعده نصرت الهی که در قرآن آمده است، همان چیزی است که باید در متن زندگی به آن تمسک نمود. مسئله انقلاب اسلامی، اعتماد به وعده‌های الهی بود. تجربه اعتماد به وعده نصرت الهی در انقلاب، نشان داد سنت‌های الهی در قرآن حقیقتی است که در فضای عینی زندگی قابل لمس کردن است. یکی از آیات الهی این است که اگر برای خدا کار کنید، خدا به شما کمک خواهد کرد: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» (حج: ۴۰).

### جمع بندی

انقلاب اسلامی در مسیر رشد خود، تهدیدهای فراوانی را تجربه کرده است؛ اگرچه از آغازین روزهای خود مورد تهدید نرم دشمن بوده است، در سال‌های اخیر این نوع تهدیدها دامنه‌ای گسترده‌تر به خود یافته است. از سوی دیگر انقلاب اسلامی دارای ابعاد قدرت نرم بالقوه و بالفعل بسیاری برخاسته از فرهنگ اسلامی - ایرانی است. یکی از بسترهای بسیار مهم قدرت نرم انقلاب اسلامی که هم ابعاد بالقوه دارد و هم ابعاد

بالفعل، مبدأ معرفتی آن یعنی آموزه‌های دین مبین اسلام است. تکنیک‌های دشمن در جنگ نرم نیز در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه بینشی مانند شبهه‌سازی، شایعه‌سازی، عرفی‌سازی، بدعت‌آفرینی و مستندسازی است. در قدرت نرم انقلاب اسلامی راهکارهایی برای مقابله با جنگ نرم دشمن همانند بصیرت‌بخشی، بیان سرنوشت کافران و ترویج نگاه توحیدی ارائه می‌شود.

## کتاب‌نامه

### قرآن کریم

ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابوالکرم محمد (۱۳۸۷ ش)؛ اسد الغابه فی معرفه الصحابه؛ چ اول، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

ابن بابویه، محمد بن علی (صدوق) (۱۳۷۷ ش)؛ معانی الأخبار؛ ترجمه: محمدی؛ چ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه.

ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ ق)؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق: عبدالسلام محمد هارون؛ چ اول، بیروت: نشر الاعلام الاسلامی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ ق)؛ تفسیر القرآن العظیم؛ چ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن مشهدی، ابوعبدالله محمد بن جعفر بن علی (۱۴۱۹ ق)؛ المزار الکبیر؛ تحقیق: قیومی اصفهانی؛ چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر.

اسکافی، ابوجعفر محمد بن عبدالله (۱۳۷۴ ش)؛ المعیار و الموازنه فی فضائل الإمام أميرالمؤمنین علی بن ابی طالب؛ مترجم: محمود مهدوی دامغانی؛ چ اول، تهران: نشر نی.

- امام علی (ع) (۱۳۸۰ ش)؛ نهج البلاغه؛ گردآوری سید شریف رضی؛ ترجمه: علی دشتی؛ چ اول، قم: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
- بیات، عبدالرسول (۱۳۹۸ ش)؛ فرهنگ واژه‌ها؛ چ سوم، تهران: سمت.
- ترنر، جاناتان (۱۳۷۸ ش)؛ مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی؛ مترجمان: محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری؛ چ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق)؛ غررالحکم و دررالکلم؛ چ هشتم، قم: دارالکتاب الإسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳ ش)؛ نزاهت قرآن از تحریف؛ چ اول، قم: اسرا.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۸۷ ش)؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة؛ چ چهارم، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)؛ وسایل الشیعه؛ چ دهم، قم: آل البيت لإحياء التراث.
- حرانی، حسن بن علی بن شعبه (۱۳۹۵ ش)؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ ترجمه: احمد جنتی؛ چ ششم، تهران: امیر کبیر.
- خاتمی، احمد (۱۳۷۰ ش)؛ فرهنگ علم کلام؛ چ اول، تهران: صبا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ چ اول، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- رشوند، حسن (۱۳۸۸ ش)؛ بسیج و تهدید نرم؛ تهران: امید انقلاب.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۱ ق)؛ فی ظلال التوحید؛ چ اول، تهران: دار مشعر.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۶ ق)؛ البدعة مفهوما حدّها آثارها؛ چ اول، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ ق)؛ الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور؛ قم: مکتبة آیت‌الله المرعشی النجفی (ره).
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ ش)؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی؛ چ نهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰ ش)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ محقق: رضا ستوده؛ چ دوم، تهران: فراهانی.

طبری، عمادالدین حسن بن علی (۱۴۲۰ ق)؛ کامل البهائی؛ تعریب: محمد شعاع فاخر؛ چ اول، نجف: انتشارات المكتبة الحیدریة.

طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ ق)؛ مجمع البحرین؛ به کوشش محمود عادل؛ چ چهارم، تهران: دفتر نشر اسلامی. عباسی، شهاب‌الدین (۱۳۸۲ ش)؛ «دین، فناوری و تلویزیون از دید نیل پستمن»؛ فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ش ۳۵.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق)؛ العین؛ چ دوم، قم: هجرت. فیروزآبادی، سیدمرتضی (۱۳۹۴ ش)؛ فضائل پنج‌تن در صحاح شش‌گانه اهل سنت؛ مترجم: محمدباقر ساعدی؛ چ اول، تهران: مبین اندیشه.

قرائتی، محسن (۱۳۷۵ ش)؛ تفسیر نور؛ چ بیست‌وسوم، قم: مؤسسه در راه حق. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹ ش)؛ اصول الکافی؛ ترجمه: مصطفوی؛ تهران: اسلامیه. لسی، مان نورمان (۱۳۸۸ ش)؛ اصول روان‌شناسی؛ ترجمه: ساعتچی؛ چ پانزدهم، تهران: امیر کبیر.

متفکر، حسین (۱۳۹۰ ش)؛ جنگ روانی؛ چ سوم، قم: پژوهشگاه تحقیقات اسلامی. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶ ش)؛ بحار الأنوار؛ چ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۰ ش)؛ دانش‌نامه قرآن و حدیث؛ چ اول، قم: دارالحدیث.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ ش)؛ مجموعه آثار شهید مطهری؛ چ هفتم، تهران: صدرا. معرفت، محمدهادی (۱۳۹۶ ش)؛ تحریف‌ناپذیری قرآن؛ ترجمه: غلامرضا نصیری؛ چ سوم، قم: نشر تمهید. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ ش)؛ تفسیر نمونه؛ چ دهم، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.

مه‌دیان، عادل (۱۴۰۰ ش)؛ «تکنیک‌های جنگ نرم دشمن و راه‌های مقابله با آن از منظر قرآن و روایات»؛ پایان‌نامه سطح ۳ حوزه علمیه قم، استاد راهنما: سیدامیر سخاوتیان.

نصر، صلاح (۱۳۸۷ ش)؛ جنگ روانی؛ مترجم: محمود حقیقت‌کاشانی؛ چ چهارم، تهران: سروش. نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵ ش)؛ فرهنگ دفاعی - امنیتی؛ چ اول، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت.

هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۹ ش)؛ فرهنگ قرآن؛ چ چهارم، قم: بوستان کتاب.

## References

The Quran.

Abbasi, Shahaboddin. 1382 Sh. "Dīn, fanāvarī va television az dīd-i Neil Postman."

*Pazhūhish-hāyi irtibāfī*, no. 35: 7996-.

Bayat, Abdorrasoul. 1398 Sh. *Farhang-i vāzhih-hā*. Tehran: Samt.

Farāhīdī, Khalīl b. Aḥmad al-. 1410 AH. *Al-ʿAyn*. Qom: Hejrat.

Firouzabadi, Seyed Morteza. 1394 Sh. *Fazāʿil-i panj tan dar Shīhāh shishgānih-yi*

*Ahl-i Sunnat*. Translated By Mohammad Bagher Saedi. Tehran: Mobin Andisheh.

Ḥarrānī, al-Ḥasan b. ʿAlī b. Shuʿba al-. 1395 Sh. *Tuḥaf al-ʿuqūl ʿan Āl al-Rasūl*.

Translated by Ahmad Jannati. Tehran: Amir Kabir.

Hashemi Rafsanjani, Akbar. 1389 Sh. *Farhang-i Qurʿān*. Qom: Boostan-e Ketab.

Ḥurr al-ʿĀmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan al-. 1414 AH. *Wasāʿil al-Shīʿa*. Qom:

Muʿassasa Al al-Bayt li-Ihyā al-Turath.

Ibn al-Athīr, Abū al-Ḥasan ʿAlī b. Abū al-Karam Muḥammad. 1387 Sh. *Usd*

*al-ghāba fī maʿrifat al-ṣaḥāba*. Qom: Tebyan Cultural and Information Institute.

Ibn al-Manzūr, Muḥammad b. Mukarram. 1414 AH. *Lisān al-ʿArab*. Beirut: Dar

Sadir.

Ibn Bābawayh, Muḥammad b. ʿAlī al-Ṣadūq. 1377 Sh. *Maʿānī al-akhbār*.

Translated by Mohammadi. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya.

Ibn Fāris, Aḥmad b. Zakariyya. 1404 AH. *Muʿjam maqāyīs al-lughā*. Edited by

Abd al-Salam Muhammad Harun. Beirut: Nashr al-ʿIlam al-Isalmi.

Ibn Kathīr, Ismāʿīl b. ʿUmar. 1419 AH. *Tafsīr al-Qurʿān al-ʿaẓīm*. Beirut: Dar al-

Kutub al-ʿIlmiyya.

Ibn Mashhadī, Abū ʿAbd Allāh Muḥammad b. Jaʿfar b. ʿAlī. 1419 AH. *Al-Mazār*

*al-kabīr*. Edited by Ghayoumi Esfahani. Qom: Islamic Publishing Office

affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.

Imam ʿAlī. 1380 Sh. *Nahj al-balāgha*. Collected by al-Sayyid al-Sharīf al-Raḍī

and translated by Ali Dashti. Qom: Amir al-Momenin Cultural-Research

Institute.

Iskāfī, Abū Jaʿfar Muḥammad b. ʿAbd Allāh al-. 1374 Sh. *Al-Miʿyār wa-l-mu-*

*wāzana fī faḍāʿil al-Imām Amīr al-Muʿminīn ʿAlī b. Abī Ṭālib*. Translated by

Mahmoud Mahdavi Damghani. Tehran: Ney Publications.

Javadi Amoli, Abdollah. 1383 Sh. *Nizāhat-i Qurʿān az tahrīf*. Qom: Esra.

- Jawharī, Ismā'īl b. Hammād al-. 1387 Sh. *Al-Ṣiḥāḥ tāj al-lughā wa-ṣiḥāḥ al-'Arabīyya*. Qom: Tebyan Cultural and Information Institute.
- Khatami, Ahmad. 1370 Sh. *Farhang-i 'ilm-i kalām*. Tehran: Saba.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb al-. 1369 Sh. *Uṣūl al-kāfī*. Translated by Moṣṭafavi. Tehran: Islamiyya.
- Mahdian, Adel. 1400 Sh. "Technique-hāyi jang-i narm-i dushman va rāh-hāyi muqābilih bā ān az manẓar-i Qur'ān va rivāyāt." Level-3 diss. Seminary of Qom.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir al-. 1386 Sh. *Biḥār al-anwār*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Makarem Shirazi, Nasser. 1371 Sh. *Tafsīr-i nimūnih*. Qom: Tebyan Cultural and Information Institute.
- Marefat, Mohammad Hadi. 1396 Sh. *Tahrīfnāpazīrī-yi Qur'ān*. Translated by Gholamreza Nasiri. Qom: Tamhid Publications.
- Mohammadi Reyshahri, Mohammad. 1390 Sh. *Dānishnāmih-yi Qur'ān va ḥadīth*. Qom: Dar al-Hadith.
- Motafaker, Hossein. 1390 Sh. *Jang-i ravānī*. Qom: Pazhuhishgah-i Tahqiqat-i Islami.
- Motahari, Morteza. 1377 Sh. *Majmu'ih āthār-i Shahīd Motahari*. Tehran: Sadra.
- Munn, Norman Leslie. 1388 Sh. *Uṣūl-i ravānshināsī*. Translated by Saatchi. Tehran: Amir Kabir.
- Nasr, Salah. 1387 SH. *Jang-i ravānī* (Psychological warfare). Translated by Mahmoud Haghghat Kashani. Tehran: Soroush.
- Norouzi, Mohammad Taghi. 1385 Sh. *Farhang-i difā'ī-amniyatī*. Tehran: Center for Management Studies and Research.
- Qarāati, Mohsen. 1375 Sh. *Tafsīr-i nūr*. Qom: Mu'assisih-yi Dar Rah-i Haqq.
- Rāghib al-Iṣfahānī, al-Ḥusayn b. Muḥammad al-. 1412 AH. *AL-Mufradāt fī gharīb al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-'Ilm and al-Dar al-Shamiyya.
- Rashvand, Hassan. 1388 Sh. *Basīj va tahdīd-i narm*. Tehran: Omid-e Enghelab.
- Sobhani, Jafar. 1416 AH. *Al-Bid'a, mafhūmuhā, ḥadduhā, āthāruhā*. Qom: Imam Sadiq Institute.
- Sobhani, Jafar. 1421 AH. *Fī zilāl al-tawḥīd*. Tehran: Dar Mash'ar.
- Suyūṭī, Jalal al-Dīn. 1404 AH. *Al-Durr al-manthūr fī al-tafsīr bi-l-māthūr*. Qom: Library of Ayatollah Mar'ashi Najafi.

- Ṭabarī, ‘Imād al-Dīn al-Ḥasan b. ‘Alī al-. 1420 AH. *Kāmil al-Bahā’ī*. Translated by Muhammad Shu‘a‘ Fakhir. Najaf: al-Maktabat al-Haydariyya Publications.
- Ṭabarsī, Faḍl b. al-Ḥasan al-. 1360 Sh. *Majma‘ al-bayān fī tafsīr al-Qur‘ān*. Edited by Reza Sotoudeh. Tehran: Farahani.
- Tabatabai, Sayyid Muhammad Husayn. 1374 Sh. *Tafsīr al-mīzān*. Translated by Mohammad Bagher Mousavi Hamadani. Qom: Islamic Publishing Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Tamīmī al-Āmidī, ‘Abd al-Wāḥid b. Muḥammad al-. 1410 AH. *Ghurar al-ḥikam wa-durar al-kilam*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn al-. 1408 AH. *Majma‘ al-baḥrayn*. Edited by Mahmoud Adel. Tehran: Islamic Publishing Office.
- Turner, Jonathan. 1378 Sh. *Maḥāhīm va kārburdhāyi jāmi‘ih-shinākhtī* [Sociology: concepts and uses]. Translated by Mohammad Fouladi and Mohammad Aziz Bakhtiari. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute.